

خدمات ودیعتی در مسیر بازآفرینی هویت کرمان ماندگار می ماند

گروه جامعه: استاندار کرمان طی پیامی با تسلیت درگذشت حسین ودیعتی- احیاگر حمام تاریخی ابراهیم خان و سرمایه گذار و موسس موزه سیم و زر کرمان اعلام کرد: برکات خدمات و فعالیت های مرحوم ودیعتی در مسیر بازآفرینی هویت کرمان و احیای میراث کهن آن، سال ها ماندگار خواهد ماند. در پیام دکتر محمدعلی طالبی آمده است: «فرهنگ و زبان فرهیخته ای است که در مسیر پاسداری و انتقال گنجینه تاریخ کهن کرمان به نسل های آینده در قلمرویی گسترده تر از مرزهای جغرافیایی همت گماشته اند. خبر درگذشت کشتگر و خیر حوزه میراث فرهنگی استان؛ مرحوم حسین ودیعتی که در سال های عمر با برکت خویش با حفظ و ترویج سرمایه های تمدنی کرمان میراث دار تمدن و فرهنگ این دیار بود، موجب تائر گردید.

به گزارش روابط عمومی استانداری کرمان، در ادامه این پیام آمده است: یقینا برکات خدمات و فعالیت های مرحوم ودیعتی در مسیر بازآفرینی هویت کرمان و احیای میراث کهن آن، سال ها ماندگار خواهد ماند.

اینجانب ضمن ابراز همدردی، مصیبت وارده را به خانواده محترم ایشان و فعالان حوزه میراث فرهنگی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند بزرگ برای آن مرحوم، رحمت و مغفرت الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی خواهانم.»

یادداشت جلال پور فعال اقتصادی و اجتماعی؛

ودیعتی عاشق اعتلای فرهنگ کرمان بود

✱ محسن جلال پور

همین چند روز پیش با مرحوم حسین ودیعتی گفت وگویی داشتم که چقدر شیرین و دل چسب بود. قصد داشتم فقط سؤالی کوتاه ببرسم، اما صحبتمان به درازا کشید و درباره یک کار فرهنگی گپ مفصلی زدیم.

حسین آقا ودیعتی، زرگری متفاوت بود؛ زرگری که ارزش واقعی را در فرهنگ و کار فرهنگی می دید. عشق و علاقه ای عمیق به آثار میراثی، تاریخی و هنر کرمان و ایران داشت و وقت زیادی برای این کارها صرف می کرد. هیچ گاه پیش نیامد که پروژه ای فرهنگی، تاریخی یا ادبی داشته باشم و حسین آقا همراهی نکند. روی گشاده و دلی پر مهر داشت و عاشق اعتلای فرهنگ استان و کشور بود.

در تمام طول زندگی همیشه بخشی از وقت و دارایی اش را صرف کارهای فرهنگی کرد. موزه جواهرات که امروز چون نگینی در بازار زرگری کرمان می درخشد یکی از آثار به جای مانده از اوست.

یادم هست وقتی شنید برای مراسم رونمایی جلد چهارم «رواق زبرجد» سروش صحت را دعوت کرده ام، چقدر خوشحال شد. از من خواست تا از موزه جواهراتی که خودش از صفر تا صد مدیریت و هزینه اش را بر عهده گرفته بود، بازدید کنیم. از فرودگاه همراه آقای صحت مستقیم به بازار زرگرها و موزه جواهرات رفتیم. تابلوهای خوش آمدگویی، عکس ها و بنرهایی آماده کرده بود. با ورودمان، با فالوده کرمانی خنک از ما پذیرایی کرد و در طول بازدید، از قاووت، کلمپه و کماچ گرفته تا شور و شوقش برای معرفی هنر و سنت کرمانی، سنگ تمام گذاشت. مثل همیشه، دلش می خواست در همان زمان کوتاه، کرمان و کرمانی ها را به بهترین شکل به مجری سرشناس معرفی کند.

هرگاه در پی هدیه ای برای عزیز می بودم، بی درنگ نقره کاری های دست ساز کرمانی، مس، پته یا گلیم کرمان را پیشنهاد می داد. خلاصه، هر گوشه از زندگی کوتاه اما پربارش پر از مهر، صفا و عشق به کرمان، ایران و مردم بود.

یادش گرمی و روانش شاد.

بازخوانی گفت وگو با شادروان حسین ودیعتی احیاگر حمام تاریخی ابراهیم خان؛

مرمت حمام ابراهیم خان به من آرامش می داد

✱ با «دو دو تا چهار تا» حمام را احیا نکردم

✱ با همراهی بازاریان قیصریه را مرمت و زیباسازی کردیم



خودمان، پاساژهایی ساخته شده که چند دهه پیش تر عمر ندارند اما از رونق افتاده و به انبار مغازه داران تبدیل شده اند ولی این بازار، بعد از دویست سال، همچنان یک قیصریه فعال و پرتحرک و پرونق است. عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند اما به نظرم من، نیت بانیان و وقف آن خیلی در این باره موثر بوده است. شاید اگر این مجموعه وقفی نبود، خیلی از بازاریان حتی خود من یک خشت هم روی خشت دیگر شرخ نمی گذاشتیم و سرمایه مان را جای دیگری هزینه می کردیم ولی اینجا از جان و دل هزینه کردیم تا آباد بماند. ضمن اینکه من تقریباً از ۱۲ سالگی در بازار تاریخی کرمان بوده ام. طبیعی است که علاقه و دلبستگی به این مجموعه دارم و برایم مهم است که چه وضعیتی دارد.

شما مسیر سخت مرمت و احیای این حمام و راه اندازی موزه را با موفقیت پشت سر گذاشته اید. به عنوان یک سرمایه گذار بخش خصوصی در بخش فرهنگ، به دیگر سرمایه گذاران توصیه می کنید که به این حوزه ها که در استان هم خیلی مورد نیاز است ورود کنند؟

قطعاً. چه کاری بهتر از این؟ باید ببایند. نباید منتظر بمانیم کسی برایمان کاری بکند. اینجا وطن و زادگاه و محل زندگی خودمان است. درست است که

ضررش برای ما بیش تر از نفعش شده بود ولی وقتی خودمان برای مرمت بازار اقدام کردیم و من مسئول کار شدم، در طول روز حتی ۲۰ دقیقه هم بازار تعطیل نشد و هیچ مزاحمتی برای کسب و کارها ایجاد نشد. در جریان مرمت حمام هم، یکی از دلایلی که کسی گلایه نکرد این بود که من با دقت و وسواس مراقب همه چیز بودم و عرض کردم حتی بعد از پایان کار در شب، کارگر می آوردم تا بازار را تمیز کنند که گرد و خاک و مصالحی در محیط کار همکارانم وجود نداشته باشد.

سخت ترین کار در جریان مرمت حمام چه بخشی از پروژه بود؟

خاک برداری پشت بام خیلی خیلی کار سختی بود. ۵۰۰ تن خاک را از داخل این بنا خارج کردن بدون استفاده از ماشین آلات، بسیار دشوار و وقت گیر بود. شب ها کار می کردیم و چون بازار طلافروشی بود، باید مراقب ایمنی بازار هم می بودیم. واقعاً کار پشت بام خیلی سخت بود و حدود پنج ماهی هم طول کشید. گاهی در حین کار، بارندگی هم می شد و این، کار را دشوارتر می کرد. برای مرمت پشت بام، مجبور شدیم بخشی از سقف را برداریم و مجدد اجرا کنیم. کار دشوار دیگر، مربوط به استحکام بخشی ستون ها بود چون مدام در حین این کار ترس داشتیم که خدای ناکرده فروبریزد. اما آن قدر با وسواس کار را انجام دادیم که نه تنها مشکلی پیش نیامد بلکه بعد از اتمام پروژه، با تأیید میراث فرهنگی اجازه پیدا کردیم روی سقف حمام، بار زنده قرار دهیم و آنجا را به رستوران تبدیل کردیم.

آقای ودیعتی، گفتید تحصیلات مرتبط با این حوزه نداشتید اما عشق و علاقه زیادی به این کار داشتید. سرچشمه این عشق و علاقه در شما از کجاست؟

یک موضوع خیلی مهم برایم مسئله وقف است. شما ببینید در همین کرمان

از همان زمان قصد راه اندازی موزه در این حمام را داشتید؟

آن زمان طرحی که برای حمام داشتم مثل امروز پخته نبود ولی قصدم ایجاد چنین کاربری ای بود. با حمایت آقای رزم حسینی و همراهی حجت الاسلام قاسمی زاده مدیر وقت اوقاف استان، این بنا به من داده شد و سال ۹۵ مرمت حمام را شروع کردیم.

آقای ودیعتی، مرمت چنین بنایی، علاوه بر هزینه زیادی که دارد، با دشواری های فراوانی هم از لحاظ فنی مواجه است. از این دشواری ها بگویید.

چون در طول روز، تردد در بازار وجود داشت، تمام مدت پروژه مجبور بودیم در ساعات شب کار کنیم. ۵۰۰ تن خاک را مثل مورچه، شب ها از حمام خارج کردیم. امکان استفاده از بیل مکانیکی و تراکتور نبود. کارگران باید با گونی خاک را به بیرون بازار منتقل می کردند و از آنجا بار خاور می کردند. شبی شش، هفت خاور به این شکل پُر می شد. کارگران تا ساعت دو، سه شب کار می کردند و من ساعت پنج صبح دوباره کارگر می گرفتم تا بازار را تمیز کنند که مزاحمتی برای همکارانم ایجاد نشود. الان که به آن روزها فکر می کنم می گویم کارهای غیرممکنی را ما ممکن کردیم و به لطف خدا، در جریان پروژه، هیچ ناراضیتی و گلایه مندی هم از طرف همکاران در بازار پیش نیامد و این را حتی دوستان میراث فرهنگی هم می گویند که چه طور توانستی بدون اینکه کسی شاکی بشود این کار را انجام بدهی؟ می گویند وقتی خود ما با هزینه دولتی می خواهیم کاری کنیم، بازاریان شاکی می شوند. خود ما هم این تجربه را داریم؛ سال ۸۶ که میراث فرهنگی می خواست قیصریه را مرمت کند، کار به جایی رسید ما بازاریان نامه نوشتیم و اعتراض کردیم که نمی خواهیم!



گروه جامعه: پاسخ دادن به این پرسش که اگر زنده یاد «حسین ودیعتی» سراغ حمام تاریخی ابراهیم خان نمی رفت چه بر سر این بنا می آمد، کار سختی نیست. لافل برای کرمانی ها که چشم شان حساسی به دیدن آوار بناهای تاریخی و تخریب میراث نیاکان شان عادت کرده است، تصور اینکه اگر ودیعتی این حمام را نجات نمی داد الان کنج قیصریه ابراهیم خان چه خبر بود، سهل است. او اما نگذاشت این اتفاق بیفتد. با هزینه شخصی و با طی یک مسیر طولانی و پردردسر، این بنای تاریخی ۲۰۰ ساله را به زندگی برگرداند.

ودیعتی اما دیگر در میان ما نیست. او عصر پنجشنبه پنجم تیرماه از دنیا رفت. برای یادآوری بخشی از زحماتی که او برای فرهنگ و میراث فرهنگی کرمان کشیده، متن گفت وگویی اسما پورزنگی آبادی با او را که در سال ۹۹ و پس از افتتاح موزه سیم و زر کرمان در این حمام انجام شد را در ادامه باز نشر می دهیم. متن کامل آن در پایگاه خبری فردای کرمان به نشانی fardayekerman.ir در دسترس است.

آقای ودیعتی، چه شد که شما سراغ حمام ابراهیم خان رفتید؟

کار من در این حوزه، از مرمت قیصریه شروع شد. این بازار تاریخی به وضعی افتاده بود که ما بازاریان تصمیم گرفته بودیم آن را ترک کنیم. سقف ها داشت فرو می ریخت، ستون ها ترک برداشته بود و میراث فرهنگی هم می گفت که بودجه ای برای مرمت ندارد. چیزی که آن زمان به من انگیزه داد تا برای نجات بازار کاری بکنم، موضوع وقف آن بود. این بازار وقف امام حسین (ع) است و ارادت من به سیدالشهدا ترغیبم کرد تا برای حفظ آن تلاش کنم. به لطف خدا و اعتماد و همراهی بازاریان این قیصریه، توانستیم آن را به طور اساسی و زیربنایی از پشت بام تا کف مرمت و زیباسازی کنیم به طوری که هر کس امروز وارد قیصریه ابراهیم خان می شود متوجه تفاوت های آن با دیگر بخش های مجموعه بازار تاریخی کرمان می شود. مرمت بازار این انگیزه را به من داد تا کاربری حمام را که آن زمان وضع بسیار بدی داشت تغییر بدهم. همان طور که می دانید، حمام ابراهیم خان در گوشه ای از این بازار قرار دارد و با همه شکوه و زیبایی ای که دارد، در حال نابودی بود. حتی در سال ۸۵، یک فرد از پشت بام آن سقوط کرد و کشته شد. بعد از آن، اگر اشتباه نکنم با حکم قضایی بود که در حمام بسته شد. البته، حدود سال ۸۷ بود که میراث فرهنگی برای مرمت آن بودجه ای را گذاشت ولی کار نیمه کاره بود. وقتی هم ما برای مرمت حمام آمديم همیشه می گفتیم کاش همین میزان هم میراث فرهنگی کار نکرده بود.

چرا؟ اشتباهاتی در مرمت داشتند؟

نه اشتباه نکرده بودند ولی کاربری ای که آن ها مدنظر داشتند و برایش مرمت را انجام می دادند با کاربری موزه ای که مدنظر من بود فرق داشت.

از ماجرای ورودتان به این پروژه می گفتید. در فکر این بودم که برای حمام کاری بکنم که آقای رزم حسینی، استاندار وقت کرمان بازدیدی از این مجموعه داشتند. در جریان آن بازدید، ایشان از مرمت بازار تقدیر کردند و گفتند که حمایت می کنند تا من این حمام را مرمت و احیا کنم و تغییر کاربری بدهم.



دستگاه های مختلف وظایفی دارند ولی تک تک ما هم باید کاری انجام دهیم. بعضی ها به من می گویند که تو با این کار، از لحاظ اقتصادی ضرر کردی. اوائل که خواستم پروژه را شروع کنم ۱۲ کیلوگرم طلا آب کردم، اگر این طلا بود ببینید الان چه ارزشی داشت؟ ولی به نظر من، همه چیز که مال دنیا نیست. لذتی که من از این کار بردم و می برم خیلی زیاد است. این، یک کار ماندگار است. اگر میلیارد ها تومان در گاوصندوقم داشته باشم ولی از آن لذتی نبرم چه فایده ای دارد؟ کسانی که در این حوزه ها سرمایه گذاری می کنند شاید از لحاظ اقتصادی، به منفعت مورد نظرشان نرسند و سرمایه شان را به بازارهای دیگر ببرند بهتر باشد ولی همه چیز پول و منفعت اقتصادی نیست. بر سر همه مسائل نباید دو دو تا چهار تا کرد. اگر همه می خواستند این طوری عمل کنند، این بناها اصلاً هیچ گاه ساخته نمی شد. نمی گویم برای سرمایه گذاری در احیای بناهای تاریخی، از خودگذشتگی کنند ولی حساب دو دو تا چهار تا را کنار بگذارند و حساب چیزهای دیگری را بکنند. براساس تجربه ای که خودم داشتم می گویم که قطعاً این سرمایه گذاری ها، از لحاظ معنوی و برای آرامش خودشان خیلی مفید خواهد بود.